



### سیاست میلیتاریستی رژیم شاه

در خدمت استراتژی امپریالیستی در خلیج فارس

اینروزها مسئله خرید اسلحه و مهمات جنگی و تا دندان مسلح شدن رژیم ایران مهمترین موضوع روز ایران را تشکیل داده و مسائل دیگر داخلی و خارجی را تحت الشعاع خود قرار داده است و از آنجا که موضوع تجدید قرارداد نفت ایران برای مدت بیست سال دیگر با کسرسیم غارتگر نفت در رابطه مستقیم با این سیاست میلیتاریستی شاه است، بنابراین اهمیت مسئله را دوچندان نموده است. بی جهت نیست که دانشجویان آگاه دانشگاههای ایران بمحض اطلاع از خبر خرید اسلحه از آمریکا بیکاره بیاخواستند و با اعتصابات و تظاهرات خونین و دادن پیشانی به کشته و زخمی و صدها زندانی، مخالفت ملت ایران را با این توطئه خائنانه که علیه منافع حیاتی ملی ما و سایر خلقهای منطقه است اعلام داشتند. از آنجا که این مسئله در ارتباط با یک سلسله نقشه های امپریالیستی بخصوص "دکترین نیکسون" در منطقه ماست، زیرا هدفهایی را که این برنامه در بردارد مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد.

اجرای سیاست امپریالیستی بخصوص "دکترین نیکسون" یعنی استفاده از نیروهای نظامی و انسانی محلی برای پاسداری از منافع امپریالیستها

این سیاست که بدنیال نقشه های تئوکونیالیستی امپریالیستها اجرا میشود هدفش اینست که حتی امکان از نیروهای نظامی و انسانی مستقیم امپریالیستها در نقاط مختلف جهان گامه و مسئولیت حفاظت از منافع آنان را بعهده رژیمهای محلی دست نشانده خود بگذارد.

منافع این طرح صرفنظر از صرفه جویی امپریالیستها از امکانات خودی، این جنبه را نیز در بردارد که بجای درگیری و روبرویی مستقیم امپریالیستها با ملل ایمن مناطق، که اثرات ناگواری برای آنها داشته و موجب برانگیختن تمام نیروهای بومی این کشورها علیه آنها خواهد شد، از نیروهای محلی استفاده نمایند که اثرات زیانبار دخالت مستقیم را نداشته باشد. این سیاست که در جنوب شرقی آسیا بنام "وینتامیزه کردن جنگ وینتام" اجرا گردید و میگردد، بعنوان یک نقشه حاکم در کلیه نقاط جهان در حال اجراست. در منطقه خلیج فارس بوضوح دیده میشود که چگونه دولتهای دست نشانده ایران، عربستان سعودی، عمان و امارات خلیج مسئولیت امنیت این منطقه "پراشوب" و در عین حال "طلا خیز" را بعهده گرفته اند و در این میان ایران

و عربستان سعودی بعنوان سرکردگان منطقه نفت اصلی را بعهده گرفته اند.

ادامه جریان منظم و بدون وقفه نفت و حفظ بازارهای با ارزش این منطقه و تضمین امنیت سرمایه گزاریهای امپریالیستها در منطقه خلیج فارس و جلوگیری از توسعه جنبشهای ملی آزاد بیخبر هدایت این استراتژی جدید است.

یک نظر کوتاه به تولید عظیم نفت در منطقه خلیج فارس (ایران، عربستان سعودی، کویت، عراق، ابوظبی و قطر و بزرگی عمان) و بخصوص میزان موجود ذخائر نفت در این منطقه از یکطرف و احتیاجات روزافزون جهان سرمایه داری و بخصوص ایالات متحده آمریکا به انرژی ارزان یعنی نفت و تحلیل رفتن قابل توجه ذخائر نفتی این دولت و خطر حتمی روبرو شدن با بحران کمبود انرژی در سالهای آینده، حفظ منابع نفتی را در دست امپریالیستها امپریالیستها و بخصوص ایالات متحده آمریکا ضروری میسازد.

پرواضح است که امنیت خلیج فارس بنظر ادامه جریان منظم این ماده حیاتی و ادامه غارت ثروت ملت های این منطقه تا چه اندازه برای امپریالیستها اهمیت دارد.

اما این تمام واقعیت نیست. دول غربی در کنار ادامه غارت منابع نفتی کشورهای تولید کننده نفت در واقع بولی بآنها تمهید هستند بلکه با در دست گرفتن بازار این کشورها و تبدیل آنها براه های مصرف کننده تولیدات آنها بمنامی مختلف، مستقیم و غیر مستقیم، پول حاصله از درآمد نفت را دوباره می بلعند. مسئله اینست که از حاصله در راه توسعه و رشد صحیح اقتصادی این کشورها بکار انداخته نمیشود بلکه از یکسو وابستگی این کشورها بانحصارات نفیسی بیشتر کرده و مانع رشد معقول اقتصادی کشورهای مزبور میشود. و از سوی دیگر برنامه های میلیتاریزه شدن این کشورها بسرعت تحقق می یابد. و در این رابطه است که می بینیم بودجه نظامی در این کشورها روز بروز با تصاعد هندسی افزایش می یابد. بی جهت نیست که بدنیال بالا رفتن تولید نفت در ایران، بودجه مخارج نظامی در سال جاری بمیزان بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته و بطور کلی بودجه نظامی نزدیک به ۶۰ درصد کل بودجه را تشکیل میدهد. و در این رابطه خرید کلان اسلحه از "شرق و غرب" تحقیق می یساید.

حال با التفات باین واقعیات روشن میشود که منافع امپریالیستی در خلیج فارس در ارتباط کامل با سرکوبی جنبشهای

بقیه در صفحه دوم

### موج عظیم خشم دانشجویان

سراسر ایران را فراگرفته

همانطوریکه در شماره قبل الاملاخ دادیم موج اعتصابی و تظاهراتی دانشجویان دبیر از اوایل بهمن ماه علیه جنبشهای ده سال "انقلاب" سفید و به پشتیبانی از مبارزات مردم و روزمندگان اسلحه بردست شروع شد. دانشجویان در مقابل حمله گمانه های شاه با سنج و چوب به دفاع برخاسته با پلیس به جنگ تن به تن پرداختند و در این میان با طوم بعضی از پلیسها را تصرف کرده و سپرهای آنها را خورد کردند. پلیس با سبانه ترین روش فانیستی به حمله ادامه داد و پسران دستگیری و زخمی نمودن عده ای از دانشجویان، دانشگاه را تصرف برآورد. رژیم سپس دانشگاه را بعد نامعلومی تعطیل کرد. بدنیال آن دانشگاه ملی با تظاهرات و اعتصاب دانشجویان به پشتیبانی از برادرانشان در دانشگاه تهران و همچنین برای اعتراض به خرید و میلیارد دلار اسلحه از آمریکا روبرو شد. در آنجا نیز دانشجویان با حمله سبانه پلیس روبرو شدند و در مقابل از خود مقاومت بینظیری نشان دادند. پسران آن دانشگاه حندی شاپور اهواز و بلا فاصله دانشجویان دانشگاه تبریز به پشتیبانی از دانشجویان تهران و مخالفت با برنامه رژیم دست تظاهرات زدند. درین دو دانشگاه کار پلیس ارتش از ضرب و شتم گشت و رگبار مسلسل بروی دانشجویان کنوده شد. در دانشگاه تبریز دانشجویان برای آزادی رفقای خود که بدست پلیس گرفتار شده بودند رئیس دانشگاه را بزرگان گرفتند. طبق خبر لوموند و خبرنگارهای خارجی در چندین شاپور یک دختر دانشجوی تبریز بین ۱۶ نفر شهید گشتند. بدنیال کمترین دانشجویان دانشگاه تبریز و چند شاپور، دانشگاه آریامهر و پلی تکنیک و تعداد زیادی از مدارس عالی و دانشگاه مشهد به موج تظاهرات پیوستند. طبق آخرین گزارش خبرنگارهای خارجی دانشگاهی در ایران وجود ندارد که کلا و یا جزا توسط رژیم تعطیل نشده باشد.

بقیه در صفحه پنجم

بقیه رویدادها و عملیات مسلحانه

۳۳ هفتمین بمب ساعتی که در ساعت ۸/۵ صبح همین روز در قسمت جلوی ساختمان کلانتری ۱ واقع در میدان بهارستان کارگرداری شده بود منفجر شد و خساراتی وارد آورد.

۳۴ هشتمین و نهمین بمبهای ساعتی که از نوع آتشزا بودند در ساعت شش صبح همین روز در سینما پولیدی و سینما راد بوسیلی کارگرداری شده بود و منجر به آتشسوزی در این سینما ها شد که به علت عدم توسعه کامل آتش فقط منجر به سوختن تعدادی از صندلیهای سالن شد و با تلاش مأمورین آتش نشانی خاموش گردید.

هدف اصلی ما از آتش زدن این دو سینما که برای اولین بار ( بعنوان سینما ) هدف حملات ما قرار گرفته اند، برهم زدن تظاهرات و اجتماع اوباشان " سازمان امنیت برای دشمن خلق " بود که در همین روز قرار بود تحت عنوان اطاق اصناف در این محل برگزار شود.

۳۵ شامگاه روز شنبه ۱۱/۱/۵۱ در همین بمب که یک بمب صد ادراغیر کشته بود کافه تریای هتل انترناسیونال را بلرزه در آورد. هدف از این انفجار متوجه ساختن اتباع خارجی نسبت به جنایاتی بود که رژیم خونریز آریامهری در ایران نسبت به خلق و انقلابیون مرتکب میشود و با توطئه سکوت دستگاههای خبرگزاری جیره خوار و روزنامه های خائن درباری و رشوه دادن به خبرگزاریهای خارجی سعی در جلوگیری از افشای آنها دارد.

گیته هدفهای پیشبینی شده با موفقیت کامل مورد حمله قرار گرفت و از آنجا که در انتخاب زمان و مکان و نحوه عمل پیشبینی های لازم صورت گرفته بود، در هیچیک از این حوادث تلفات جانی بکسی وارد نیامد.

صدای پرطنین بمبهای که در روزهای جشنهای خیانت بار محمد رضا شاه قائل، تهران را بلرزه در آورد، فریاد رژیم آوری خلقی بود که در زیر سیاهترین دیکتاتوری های تاریخ میسوزد اما هرگز با آن سازش نمیکند و نظمه ای از بیگار تا پیروزی نهایی دست بر نمی دارد. انفجارهای پرطنینی که تهران را بلرزه در آورد بود و آنهم در زیر شدیدترین کشتلهای پلیسی مسکن، نشانی حضور فعال انقلابیون در لاور و هوشیارست که بعد از دو سال بیگار خونین و دادن قربانیهای انبوه امروزه مصمم تر از پیش و سرشار از روحیه رزمندگی سرپامید و توانا میشوند و پیش میآیند. در این میان بر معنی تر از هر چیز تلاش رژیم در جلوگیری از پخش اخبار مربوط به عملیات انقلابیون است و این نشانه آشکار وحشت رژیم خونریز آریامهری را تا شریات امید نهدند، آگاه کنند و تشکل دهند و عملیات انقلابی بر نیروهای مبارز است.

با اینکه انقلابیون نمی توانند بصورت وسیع اخبار عملیات انقلابی را بگوش خلق خود برسانند، علاقه مندی و پیگیری خلق مبارز ما در پخش این خبرها عامل شکست توطئه سکوت دستگاههای جیره خوار پخش خبر دولتی بود، است که طبق دستور شاه و وظیفه دارند از انتشار هرگونه خبر مربوط به پیروزی پیشاهنگان مسلح خلق خود آری کنند و در عوضها صحنه سازیها و روایتها و توطئه های شیطانی از هر حادثه و یا شکست، بمنظور ایجاد یا سرودن بیتی در مردم استفاده کنند. در چنین شرایطی تلاش در پخش اخبار مربوط به جنبش مسلحانه بهتر طریق ممکن چه از طریق پخش، همان به دهان و چه از طریق تکثیر و پخش بیانیتهای انقلابی یک وظیفه انقلابی است. خصوصا تلاش در افشای توطئه های خونین آدمکشان شاه نقره می در ناکام گذاشتن این توطئه های خونین خواهد داشت. همچنانکه انقلابیون با افشای خبر مربوط به نقشه جنایتکارانه ای که آدمکشان شاه بمنظور کشتن لطفال دانش آموز و کارگران زحمتکشی درک دیده بودند توانستند در ستیهای توطئه گران جنایتکار شاه را از پیش بینند و نقشه های شیطانی و خونین آنها را ناکام بگردانند تا آنکه امکان نتوانند با انجام این جنایتها انقلابیون در لاری که همه چیز خود را در راه خلق خود فدا کرده اند مورد تهنیت و بدنامی قرار دهند و آنها را در پیشگاه خلق خود بی اعتبار سازند.

گسارای ساد خاطر شهیدان قهرمان راه آزادی و سعادت خلق  
ننگ و نفرت بر شاه مژور و بیگانه پسر نیست  
جنبش مسلحانه خلق ایران شگرفان ساد  
" سازمان مجاهدین خلق ایران "

صدای ره و جبهه بانک صادرات در خیابان ایرانمهر اصفهان

صدای از چرخهای به بانک صادرات خیابان ایرانمهر در اصفهان حمله کرده و با موفقیت کامل و بدون دادن تلفات گیبه موجودی بانک را فساد کرده و سالم بیایگایهای خوشباز گشتند.

درگیری در مجاهد دلیر با مأمورین پلیس

مهدی حسن برادر شهید قهرمان سعید حسن از سرایان " سازمان مجاهدین خلق ایران " جندی پیش در سر قرار در حوالی میدان اعدام در جنوب شرقی تهران مورد حمله چند مأمورین پلیس زگر میگردد. مهدی که فرصت استفاده از سلاح خود را برای دفاع نیکند، بوسیله دو قرض سخی خود را مسموم میکند و لی در دخیمان بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کرده و از خود کنی از جلوگیری بحمل میآورند و شکجه او را بشد بدترین وجهی آغاز میکنند. با وجود یک جند ماه از دستگیری این مبارز دلیر که شته است خانواده او همچونکه اطلاعی از او ندارند، و پلیس از وجود او اظهار بی اطلاعی کرده است.

مبارز د بگر کاظم د والاوار از " سازمان مجاهدین خلق ایران " نیز در سر قرار تماس با رگبار مسلسل عده وفادای پلیس مواجه شدند و بشدت زخمی میشوند. ولی در دخیمان با همین حال شکجه او را شروع میکنند. کاظم با دلاوری و رشادت بینظیری در مقابل شکجه های مأمورین ساواک مقاومت میکند. بطوریکه دشمن نتوانست کوچکترین اطلاعاتی از او بدست آورد. کاظم قهرمان در یک جلسه با زحمتی با وجود جراحت سخی که داشته به مأمورین شکجه خله ور شده و آنها را سختی کنگ میزند و از آن هنگام دست و پای او را در قفل و زنجیر میگرداند. مقاومت و دلاوری کاظم، قهرمانی همایین کبری و اشرف هقانی را زنده کرده است و موجب مواهرات و دلگرمی سایر مبارزان در بند است. طبق آخرین اطلاعاتی که بدست ما رسیده کاظم د والاوار در بیدانگاه نظامی به زندان اینسه محکوم شده است.

مانده از صفحه اول

سیاست ملتبارستی رژیم شاه

آزاد بیخند در این منطقه است زیرا غارتگری دول امپریالیست و تضمین امنیت سرمایه گزاریهای امپریالیستی که بصورت صدور سرمایه پولی باین کشورها و ایجاد شرکهای مختلط و بانکها و غیره انجام میگردد، تناقض کامل با رشد و گسترش و به ثمر رسیدن این نهضتها که مد راه این غارتگریها خواهند بود، داشته و بهمین دلیل می بینیم که "به" تیسر استراتژی " حفظ ثبات در منطقه " در جهت سرکوبی و نابودی ایسین نهضتها و همچنین دلنهایتست که خود آزاد شده و پشتیبان این نهضتها هستند. و از اینروست که استراتژی در هم گرییدن نهضت طسظار، نابودی دولت جمهوری تودهای یمن جنوبی و سرکوبی جنبشهای آزاد بیخند ایران و مناطق عربی در خلیج فارس بدست دولتهای دست نشانده ایران، عربستان سعودی و سلطان نشین مسقط و عمان، از هدفهای اولیه امپریالیستها برسرکردگی امپریالیسم امریکا در منطقه است. انتصاب ریچارد هلمز رئیس سازمان سیا بعنوان سفیر کبیر امریکا در ایران جزئی از این توطئه است.

تسلیم نقشه های امپریالیستی در تبدیل کشورهای منطقه به سزانه تسلیماتی چهان سرمایه داری و انتخاب چند کشور بعنوان ژننده ارم منطقه

امپریالیستها در جهت خد ستاره هدفهای فوق باین نتیجه رسیده اند که سیاست مسابقه تسلیماتی را در کشورهای دست نشانده خود توسعه دهند و با اختصاص قسمت اعظم در آمد آنها بامور نظامی و تسلیماتی، حفاظت از منابع حیاتی و منافع خود را بعهده آنها گردانند و در تحلیل نهایی هر جنبش ملی آزاد بیخند و ضد امپریالیستی را که بخواهد منافع آنها را بخطر اندازد بدست نیروهای مجلسی و با بودجه خود این کشورها نابود کنند. استراتژی حراسانست از منافع امپریالیستها با پول و نیروی انسانی کشورهای استشاره شده.

اما در این استراتژی مسئولیت بین کشورهای دست نشانده بیکان تقسیم نشده است بلکه در هر منطقه تحت نفوذ یک یا دو دولت بنا بوضع و موقعیت و درجه خد متگزاریشان با امپریالیسم مسئولیت بیشتر و سنگین تری بعهده گرفته اند. در منطقه خلیج فارس این مسئولیت خطیر بعهده ایران و عربستان سعودی گذاشته شده و بهمین دلیل دولت ایران بودجه نظامیها را تاکنون هم رقم سرمام آوری را از درآمد ملی تشکیل میداند تا کسبان معیشتی بیش از ۵۰ درصد افزایش میدهند و تصمیم میگردند سه میلیارد دلار ( دو میلیارد و یکصد میلیون دلار از امریکا جهت میلین مارک از آلمان غربی - مالیغ متناهیسی از انگلستان و شوروی و دیگران ) اسلحه خریداری کند و بی جهت نیست که قسمت اعظم این تسلیمات را تجهیزات نظامی بحسری تشکیل میدهند و صحبت از مدرنیزه کردن ارتش ایران در میان است. تمام این اقدامات در جهت تبدیل ایران بژنده ارم منطقه خلیج فارس صورت میگردد. همین چنین برنامه ای در عربستان سعودی هم در حساب پیسانده شده است. بی مقدمه نیست که فعالیت ارتش ایران و بخصوص نیروی هوایی آن در هفته های اخیر در جزایر بحر عمان و هم در سلطان نشین مسقط و عمان بطور قابل توجهی زیاد شده و نیروهای ارتش ایران رسماً علیه انقلابیون ظفار وارد کارزار شده و تحریرکات و توطئه های مشترک ایران و عربستان سعودی علیه جمهوری تودهای یمن جنوبی لحظهای قطع نمیشود.

ناگفته نماند که سیاست ملتبارزیه کردن کشورهای تحت نفوذ و فروش تسلیمات آنها دارای منافع فوق العاده و سرشار اقتصاد برای امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم امریکا در زمان کنونی است که با اتمام جنگ وینتام برای جلوگیری از بحران ناشی از تورم تولید تسلیمات و نبودن ملحق که آنها را مصرف نماید، ناچارند ایسین اسلحه و مهمات را جای دیگری مصرف کنند و از آنجا که عرصه کارزار کامیوسج کافی برای تقذ به اینهمه تسلیمات نیست و از بقیه در صفحه سوم

پیروز باد مبارزه مسلحانه خلقهای ایران علیه رژیم خائن شاه

جنبش مسلحانه ایران در ( از صفحه دوم )

قول از روزنامه گاردین نتیجه میگرد که ۱۳ مهین بریتانیا بدون محاکمه اعدام شده اند و اسامی و مشخصات هر ۱۳ نفر را درج نموده است .

مقاله میافزاید که بر طبق گفته مقامات پلیس ایران به تشکیلات چریکی شامل واحد های شهری و روستایی بوده و یک واحد روستایی برای نجات یکی از رفقای خود به پاسگاه سهاکسل حمله کرده اند و پس از کشتن رئیس پاسگاه اهالی ده را کزد آورده و برپایشان صحبت کرده و ده را ترک گفته اند . بلافاصله واحد های ارتش ایران باستان گیلان گسیل داشته شده اند . بنا بگفته مقام رسمی ایران یک گروه از چریکهای کوهستانی مدت ۴۸ ساعت با ژند ارمبا جنگیده ماند و در این نبرد ه ژند ارم کشته شده و چریکها پس از آنکه مهماتشان تمام شده عقب نشینی میکنند . مقاله ادامه میدهد که مبارزه ادامه دارد هم چنانکه در هفتم آوریل ژنرال فرسیو رئیس ارادگاههای نظامی و کسبیک در سالهای گذشته بسیاری از مهین پرستان را با عدم و حبسهای سنگین محکوم کرده بود بدست چریکها بقتل رسید . دولت ایران برای دستگیری چریکهاییکه او را بقتل رسانده ماند مبلغ ۱۴۰۰۰۰ دلار جایزه تعیین کرده و همین نشانه هنده و ترس دولت از مردم است .

مقاله در پایان نتیجه گیری میکند : " حوادث اخیر نشان میدهد که مبارزات مردم ایران بحرانی جدی از شکل مبارزه انقلابی چهر آمیز قدم گذارده که هدف آن آزادی کشور از بیخ امپریالیسم و عوامل دست نشاندگان آنهاست . مردم ایران میدانند که بدست آوردن آزادی چندان آسان نیست اما آنها هم چنین میدانند که برای ساختن ایرانی آزاد و آباد باید قربانی داد و آنها آماد هاند که بسرای احقاق آن جان خود را فدا سازند ."

بولتن هفتگی خبری " جنبه خلق برای آزادی عمان و خلیج عربی " بنام "صوت الشوره" ( صدای انقلاب ) که بجای "خط سرخ" منتشر میشود در شماره ۴۲ ( ۱۵ مارس ۱۹۷۳ ) در باره جنبش مسلحانه ایران چنین مینویسد :

" عملیات انقلابیون ایران علیه منافق امپریالیسم و عوامل دست نشاندگان

ایران - مبارزین ایران متعلق به سازمان مجاهدین خلق ایران مبارزات بیک سلسله عملیات مسلحانه در ایران کرده اند . این سازمان طی بیانیه نظامی خود اطلاع داده است که انقلابیون این سازمان بمبهای متعدد در روزهای مختلف در شب ۲۴ ژانویه ۷۳ در ساختمان سازمان برنامه و در ساختمان شرکت فیروز که متعلق بیک سرمایه دار صهیونیست بنام " ثابت پاسال " است و همچنین در ساختمان یک شرکت رادیو تلویزیون آمریکایی و در ادارات شرکت پان آمریکا - متفجر کرده اند . آنها بمبهای دیگری را در روز ۲۶ ژانویه ۷۳ در ساختمانهای شرکت نفت شل و لاین فلات قاره و یک شرکت موزونی نفت انگلیسی که در ایران کار میکند و هم چنین در مدخل کلانتری ۶ و در سینما پولیدور و رادیو صوتی - متفجر کرده اند . در ۲۴ ژانویه ۷۳ مجاهدین ایران یک بمب صد ۱۰۰ کیلوگرمه در کافه تریا هتل انترنایمبول بمظهور جلورگیری از تشکیل میتینگ اوباشان رژیم و هم چنین جلب توجه مسافرن خارجی به مبارزات مردم ایران علیه رژیم دست نشاندگان و متفجر کردند .

منتظر باشید  
مسائل جنبش ضد استعماری و آزادی بخش  
خلق ایران و  
عمده ترین وظایف کمونیستهای  
ایران در شرایط کنونی  
(تکمیل صفحه دوم)

# توطئه گری رژیم شاه علیه انقلاب ظفار

بولتن خبری " ج . خ . آ . ج . ع . م " بنام "صوت الشوره" ( صدای انقلاب ) در شماره سوم مارس خود در باره دخالت مستقیم نیروهای ارتش شاه در حمله به خلیج عبرمان ظفار چنین مینویسد :

" بعد از شکست کماندهای انگلیسی در اکبر و نوامبر گذشته و اینک سربازان شاه ایران شانس خود را آزمایش میکنند ."

ظفار - در طول ماه گذشته شصت سرباز ایرانی به ظفار ( ناحیه جنوبی عمان ) وارد شده و در مراکز مناطق شرقی مانند کوبیت ، ادحیات و قطان پخش شدند . اینها تحت فرماندهی و تعلیمات افسران انگلیسی خدمت کرده و تاکنون هیچ های غیر نظامی را با ستوخانه سنگین گلوله باران کرده اند . این عملیات همراه با حملات هوایی نیروی هوایی سلطنتی انگلستان صورت گرفته است .

از اوایل ماه فوریه تاکنون نیروهای ارتش آزاد بیخ کن خلیج و نیروهای چریک تود های در ناحیه شرقی - حملات برق آسا و مستقیم به نیروهای دشمن وارد کرده و آنها را وارد آب عقب نشینی بمواضع خود ساخته اند . تذکر این نکته لازم است که در ماههای اکبر و نوامبر سال ۱۹۷۱ ناحیه شرقی شاهد جنگهای شدیدی بود که طی آن انگلستان با نیروهای غنشی از عواملش و همچنین یک واحد از کماندهای انگلیسی بنام " شیاطین سرخ " حمله را آغاز کرده بود . بعلاوه در این نبردها تعداد زیادی از سربازان اجیر و عوامل مجلسی بکار گرفته شده بودند . در این حمله از تجهیزات مدرن نظامی استفاده میشد و با این تدارکات دشمن در نظرسداشت ناحیه شرق را ناپسند کند . سپس از دو ماه نوامبر خوشبینی که ریز و شب ادامه داشت ، نیروهای دشمن شکست خوردند و مجبور عقب نشینی به مواضع خود شدند . این جنگ و عقب نشینی بقیه بسیار گرانی از نظر میزان تلفات انسانی و تجهیزات -

برای دفاع از عباس شیانی بعمل آمد ، رژیم را وارد ازمه عقب نشینی نمود و جان این مبارز ارزنده را نجات داد . مطابق گزارش وکیل فوق الذکر احکام جابرانه بینه اراکله های نظامی در مورد مبارزین زیر صادر شده است : مصطفی خوشدل محکوم به اعدام - مهدی افتخاری ابد - جلال مصصامی زندان ابد - حمید جلالی زندان ابد - زندان ابد - کاظم ذوالنوار زندان ابد . ضمنا مطابق همین گزارش در تن از مبارزین بنامهای مهرابی و مشارزاده که در رابطه با بقیه که در یک انبار در شب منفجر شده و هیچگونه تلفات جانی بهار نیارود ، دستگیر شده بودند . با استدلال محکوم شده اند . طبق اطلاع رسیده از ایران ، آقای داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران که از مبارزین ثابت قدم و وفادار به نهضت ملی و راه مصدق بوده و مدت سه سال بلا تکلیف در زندان بسر میبردند ، اخیرا آزاد شده است .

## دزدان ها و تعبدگاهها

طبق آخرین خبری که توسط آقای طران نوبل در اینیک وکیل فرانسوی که از طرف فدراسیون جهانی حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد ، که از تاریخ ۱۶ مارس مدت یک هفته با بیان سفر کرده بود ، بدست آمده دکتر عباس شیانی مبارز شجاع در دادگاه بدوی بدو سال زندان محکوم شده است . ما در شماره قبل ، بنا باطلاعات واسله و همسر روزنامه لسوند هشدار داده بودیم که رژیم شاه در نظر دارد شیانی را ناپود کند ولی از آنجائیکه " شیانی دارای آنچنان محبوبیتی در بین مردم ایران است که رژیم بسختی جرئت خواهد کرد دستش را بدون او بیآلاید مبارزه بپیگیری متحد برای نجات جان شیانی میتواند رژیم شاه را مجبور کند که مرتکب این عمل جنایتکارانه نشود . کوششهای همه جانبه ای که از طرف کفر و اسین جهانی دانشجویان ایرانی و سازمانها و ایرانیان خارج از کشور

بقیه موج خشم دانشجویان مطابق اخبار منتشره تمدن زخمیها و دستگیر شده ها بشمار است . رژیم شاه اخبار تظاهرات و اعتراضات دانشجویان را بشکست سانسور کرد ولی باز در موبت کوتاهی تمام مردم توسط " خبرگزاری ملی " یعنی روش دهان به دهان از تمام جریانات و کشتار و جانیانه دانشجویان آگاه شدند . تظاهرات دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی ایران و ولاوری بی نظیر آسان که تا سرحد جان پیش رفتند . و همچنین خشونت شعبانوی گماندهای فاشیست شاه با عکس العمل دانشجویان و ایرانیان خارج از کشور و محافل مترقی دانشجویان جهان روبرو شد . دانشجویان و ایرانیان خارج از کشور با تظاهرات جلوی سفارتخانه های

ایران و بخش اغلامیه ها و برگزاری جلسات سخنرانی و مساحبه های مطبوعاتی و همچنین طی تظاهرات و آکسیونهاییکه علیه هویدا ، این نوکر خدمتگزار شاه و امپریالیزم ، در لندن و پاریس برگزار شد ، پشتیبانی خود را از مبارزات و خواستهای برادران هموطن خود ، دانشجویان مبارز و روزندگان دلیر که اسلحه در دست جانانه علیه رژیم ضد ملی و دست نشاندگان استعمار میچنگد ، اعلام کردند . آنها تنفس و انسداد عسقی خود را نسبت بنیاتی رژیم و کشتار نا دانشجویان و مهین پرستان ابراز کردند و محافل مترقی و دانشجویان جهان نیز با ارسال تلگراف و شرکت در تظاهرات دانشجویان ایرانی مخالفت خود را با سیاست فاشیستی رژیم شاه نشان دادند .



